

تبیین الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک سیستم مدیریت آموزش در ایران

تورج حسنی راد^{*}، حسن رضا زین آبادی^۲، حسین عباسیان^۳، حمیدرضا آراسته^۴
تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۳ صص ۱۵۴-۱۳۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۶

چکیده

نبود همگرایی و هم-افزایی در آموزش عالی و ضعف در کارایی و رویکرد فرهنگی اجتماعی محیط علمی، کاهش سطح کیفی آموزش عالی و نبود رتبه بندی و مأموریت گرا شدن دانشگاه‌ها را می‌توان در زمره مهمترین نقاط ضعف نظام آموزش عالی نام برد که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی بسیاری از آنها مرتفع خواهند شد. هدف از این مقاله، طراحی و تبیین الگوی توسعه شبکه‌های اجتماعی در سیستم آموزش کشور می‌باشد، به نحوی که ضمن مرور بسترهای نظری و روش‌های نوین در توسعه سیستم‌های یادگیری، پژوهش و کارآفرینی، راهکارهای دستیابی به راهبردهای اثربخش در این ارتباط نیز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت الگوی کارآمد توسعه شبکه‌های اجتماعی در نظام آموزش عالی ارائه گردیده است. این تحقیق با بهره‌گیری از رویکرد توسعه‌ای-کاربردی، روش تحلیل محتوا را دنبال نموده و با بهره‌گیری از الگوی دلفی، مدل پیشنهادی توسط خبرگان اعتبارسنجی گردیده است. نتایج تحقیق، حاکی الگویی چهار مرحله‌ای مشتمل بر بسترسازی بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی، بسترسازی نظام یادگیری، توسعه سیستم مدیریت یادگیری و استقرار آن می‌باشد. این در حالی است که اثرات مربوط به قوانین و مقررات، ویژگی‌های کاربران و حوزه‌های زیرساختی به عنوان متغیرهای زمینه‌ای، بر ارتباط میان مراحل تعیین شده اثرگذار خواهند بود.

کلید واژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، سیستم مدیریت آموزش، سیستم مدیریت یادگیری، نظام آموزش عالی

-
- ۱ - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
 - ۲ - دانشیار مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
 - ۳ - استادیار مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
 - ۴ - استاد مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
- * تورج حسنی راد : thasanirad@gmail.com

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی به جزء جدانشدنی زندگی امروز ساکنین زمین تبدیل شده‌اند. رشد انواع شبکه‌های اجتماعی و خدمات متنوعی که به کاربران خود ارائه می‌کنند، فرهنگ نوینی را گسترش می‌دهد که فرصت و چالش را همزمان به همراه دارد. استفاده روز افزون از این شبکه‌ها و تأثیری که روی فرهنگ، طرز فکر و عمل استفاده‌کنندگان آن دارد، نظام آموزشی را نیز به زودی با تحول بنیادی رو به رو خواهد ساخت. فعال کردن کاربران برای شرکت در فعالیت‌های آموزشی، تسهیل ارتباط استاد و دانشجو، توسعه منابع آموزشی و ایجاد ارتباطات اثربخش میان اساتید و دانشجویان در بخش‌های مختلف در زمره مهمترین اثرات شبکه‌های اجتماعی بر سیستم‌های یادگیری به شمار می‌روند. از سوی دیگر طراحی نظام یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی به میزان قابل توجهی، امکان یادگیری فعال، امکان یادگیری تعاملی و مشارکتی، امکان مباحثه با همکلاسی‌ها و امکان درک و پذیرش نظر سایرین را فراهم می‌سازد. همچنین این سیستم به میزان زیادی تعمق و تفکر درباره‌ی تجارب را تشویق و ترغیب کرده و دانشجویان را به سمت ساخت دانش سوق می‌دهد و به ویژه از شکل‌گیری دانش به واسطه توافقات اجتماعی حمایت می‌کند. استاد در این نظام به میزان زیادی نقش تسهیل‌کننده و راهنما را ایفا نموده و ارزشیابی در آن به میزان زیادی مستمر بوده و درک و فهم را بازنمایی می‌کند و در نهایت تکالیف مطرح شده در آن به میزان زیادی شبیه شرایط دنیای واقعی است. (Aharony, 2009). گرچه به علت عدم امکان نظارت علمی، بسیاری از محتواهای اینترنتی هنوز به مرتبه قابل قبولی از اعتبار علمی نرسیده‌اند، اما در عین حال شبکه‌های اجتماعی یکی از عرصه‌های اینترنتی هستند که کاربران بی شمار آنها به صورت خودجوش اقدام به آموزش و انتقال دانسته‌های تخصصی و عمومی خویش به دیگران می‌کنند. علاوه بر این، شبکه‌های اجتماعی علمی و آموزشی نیز به صورت تخصصی و با هدف آموزش از راه دور و همان آموزش مجازی مشغول فعالیت هستند. با استفاده از شبکه‌های اجتماعی آموزشی مجازی، دانش‌آموزان و دانشجویان می‌توانند دامنه فرآیند یادگیری خود را در هر لحظه که نیازمند سؤال و برقراری رابطه با استاد یا سایر دانشجویان هم‌رشته‌ای باشند، به خارج از محدوده‌های کلاس گسترش دهند (Click & Petit, 2006). به طور کلی با توجه به مزایای بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و سیستم‌های مدیریت یادگیری و علی‌رغم وجود پتانسیل بالای بر خورداری از دانش بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی در میان جوانان و اقشار مختلف دانشجو در مقاطع آموزش عالی، استعداد کافی در بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها وجود ندارد و زمینه‌های توسعه سیستم‌های موجود یادگیری بر محور شبکه‌های اجتماعی کمتر دیده شده است. از سوی دیگر کارکردهای آموزشی،

پژوهشی، کارآفرینی و دانش‌افزایی مؤسسات آموزش عالی در کشور از چنان پتانسیل و ظرفیتی برخوردار هستند که زمینه بهره‌گیری از الگوهای نوین شبکه‌های اجتماعی در این بخش‌ها را به راحتی دارا هستند که این مهم بدون در نظر گرفتن توان انسانی در هدایت این امور محقق نمی‌گردد. از سوی دیگر نبود همگرایی و هم‌افزایی در عرصه آموزش عالی کشور، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و ضعف در کارآیی و رویکرد فرهنگی اجتماعی در محیط علمی، کاهش سطح کیفی آموزش عالی در سال‌های اخیر و نبود رتبه بندی و مأموریت‌گرا شدن دانشگاه‌ها را می‌توان در زمره مهمترین نقاط ضعف نظام آموزش عالی در کشور یاد کرد که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی بسیاری از آنها مرتفع خواهند شد. اما با وجود تلاش‌های بسیاری که تاکنون صورت گرفته است، هنوز هم نیاز به اقدامات اساسی، برنامه‌ریزی و سازماندهی شایسته‌ای که منجر به برونداد مناسب‌تری از توسعه فناوری و یا رویکرد وزارت به سمت و سوی فناوری ملی باشد احساس می‌شود. برای رسیدن به اهداف تدوین شده در این تغییرات اساسنامه‌ای، اصلاح ساختار تشکیلاتی، ضوابط اجرایی، آیین نامه‌ها و فرایندها از ضروریات است. اما وجود واحدهای موازی پژوهش و فناوری با اعتبارات و امکانات بیشتر در کشور، خرد و پراکنده کردن امکانات پژوهشی از بزرگترین موانع راهبردی حرکت در جهت توسعه فناوری است. این پژوهش، به ضرورت تحول آموزش عالی کشور به ویژه با رویکرد بهبود ارتباط صنعت و دانشگاه و در نتیجه توسعه فناوری ملی پرداخته و پس از بررسی بعضی نقاط ضعف آموزش عالی در بخش پژوهش و فناوری کشور که کمتر مورد نقد از درون می‌شود، راهکاری اجرایی مبنی بر ایجاد یک سازمان فراگیر برای تصدی‌گری و اداره مؤسسات پژوهش و فناوری دولتی و یک سازمان فراگیر برای تصدی‌گری و اداره تمامی مؤسسات آموزش عالی دولتی، را پیشنهاد می‌کند. لذا اهمیت توسعه نظام آموزش و یادگیری مطابق با ابزارهای شبکه‌های اجتماعی و نیز مدیریت هزینه‌های مرتبط با آن، انگیزه‌ای برای انجام تحقیقات از این تلقی می‌گردد. هدف این پژوهش طراحی الگوی یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی و بررسی تأثیر آن بر نظام آموزش عالی کشور است. به منظور دستیابی به این هدف، ارائه‌ی مدل مفهومی طراحی نظام یادگیری و به دنبال آن طراحی زیر سیستم‌های آموزشی، پژوهشی و کارآفرینی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی به منظور برطرف ساختن برخی نقدهای وارد بر رویکرد ساخت‌گرایی (نظیر عملیاتی ساختن مشارکت و تعامل، برطرف ساختن مسائل اجرایی، عینی کردن مفهوم تولید دانش و ...) مورد بررسی و توجه قرار خواهد گرفت. در همین راستا تبیین ویژگی‌های سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی، شناسایی متغیرهای اثرگذار بر توسعه سیستم مدیریت یادگیری، سنجش و ارزیابی بسترهای یادگیری مورد نیاز، شناسایی متغیرهای

زمینه‌ای اثرگذار و در نهایت طراحی و تبیین الگوی سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی در زمره دیگر اهداف این پژوهش به شمار می‌روند. محتوی مورد توجه در این مقاله در شش بخش عنوان گردیده‌اند. به نحوی که در بخش اول و در مقدمه به بیان مسائل و مشکلات نظام آموزش عالی کشور از حیث رویکردهای جاری در بهره‌گیری از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی کشور و جایگاه دستاوردهای حاصل از انجام پژوهش به منظور رفع نواقص تئوریک، بنیادین و توسعه‌ای مدل‌های موجود پرداخته شده است. در بخش دوم و ذیل بیان مبانی نظری و پژوهش، اهم دیدگاه‌های نظری و دستاوردهای کاربردی موجود مطابق دیدگاه‌های اندیشمندان و متخصصان این حوزه با استناد به مقالات، کتب، گزارشات علمی معتبر و دیگر منابع عنوان گردیده است. در بخش سوم نیز روش‌شناسی تحقیق مشتمل بر طرح تحقیق، روش‌ها و ابزارهای گردآوری داده‌ها، جامعه و نمونه آماری و تحلیل روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها به همراه الگوی تحلیل یافته‌های پژوهش مطرح شده است. در بخش چهارم نیز با بهره‌گیری از الگوهای تحلیلی مفروض، فرایند تحلیل داده‌ها به همراه نتایج حاصله از آنها مورد اشاره واقع می‌گردد. در بخش آخر نیز مباحث نظری و عملی منتج از تحلیل داده‌های حاصله از بخش پنجم در قیاس با پژوهش‌های مشابه در دیگر منابع علمی مورد بحث و بررسی واقع می‌گردد.

پیشینه پژوهشی

شبکه‌های مجازی ابزارهای نرم افزاری تحت وب را می‌گویند که به کاربران اجازه به اشتراک گذاری، ایجاد یا استفاده از محتوای تولید شده را می‌دهد و در واقع رسانه اجتماعی بستر یا باعث تشکیل یک شبکه اجتماعی می‌شوند یا ابزاری است که در یک شبکه اجتماعی برای به اشتراک گذاری محتوا استفاده می‌شود. مسئله دیگری که آشنایی دانشجویان و فارغ التحصیلان را با این فناوری ضروری می‌سازد، نیاز به آموزش‌های تخصصی در دنیای امروز است. سواد رسانه‌های اجتماعی که زیرمجموعه سواد اطلاعاتی است، ناظر بر توانایی استفاده مؤثر از فناوری‌های وب است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها در دنیای امروز شبکه‌های اجتماعی هستند (Ebrahimabade, 2011). سیستم مدیریت آموزش، الگویی است که فعالیت آموزش‌گیرنده را ثبت و پیگیری می‌کند. به عبارت دیگر، این سیستم، روند یادگیری و آموزش را به طور خودکار مدیریت می‌کند. یک سیستم مدیریت آموزش قدرتمند، مدیریت اجرایی برنامه‌های آموزشی را در درون یک سازمان تسهیل می‌کند و همچنین این سیستم فراگیران را قادر می‌سازد که به همکاری و مشارکت با فراگیران هم‌تراز خود بپردازند. این سیستم مدرسه آموزش الکترونیکی و فضایی است که برنامه‌های آموزشی در

آن ارائه می‌شوند. استفاده آموزش‌گیرندگان از این سیستم برای تحصیل و یادگیری در آن زمان که بر روی شبکه حضور می‌یابند، بیشتر شبیه عمل وارد شدن دانشجویان از در کلاس است. اگر چه توسعه سیستم مدیریت محتوا، شکل‌گیری ابزارهای ارتباطی و ارتقاء ابعاد ساختاری در سیستم مدیریت یادگیری به طور جداگانه مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته‌اند، اما ارتباط ما بین آنها در یک مدل یکپارچه آنها با محوریت موفقیت در اجراء استراتژی‌های یادگیری مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند (Alcock, 2009). با فراگیر شدن آموزش‌های مجازی و از راه دور در دانشگاه‌ها نیاز به تعامل مجازی مؤسسات آموزش عالی با کاربران به شدت احساس می‌شود. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند ارتباط مؤسسات آموزش عالی با دانشجویان و محققان را نزدیکتر نموده و در خدمات‌رسانی به آنها موفق‌تر عمل نمایند. از سوی دیگر استفاده از این ابزارها در مؤسسات آموزش عالی در کشور می‌تواند زمینه ساز خدمات الکترونیکی بسیاری شود. به نظر می‌رسد که مؤسسات آموزش عالی کشور استفاده چندانی از شبکه‌های اجتماعی نمی‌کنند (Ebrahimabade, 2011). دلایل و موانع بسیاری می‌تواند در این عدم استفاده برشمرد که یکی از آنها می‌تواند عدم آشنایی مؤسسات با این ابزارها باشد. برای بسترسازی آموزش شبکه‌های اجتماعی در برنامه آموزشی و اطلاع‌رسانی که خود زمینه ساز استفاده از آنها در مؤسسات آموزش عالی است، لازم است که تصور دانشجویان، نقطه نظراتشان، مهارت‌هایشان در استفاده حداکثر از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی و تجارب عملی‌شان از کار با آنها مورد بررسی قرار گیرد. در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها هم تلاش کرده‌اند تا فناوری‌های وب را در خدمت آموزش و یادگیری بکار گیرند. در اروپا، آمریکا، استرالیا و دیگر کشورهای توسعه یافته استفاده از وب در آموزش دانشگاهی رایج شده است (Phillips, 2011). اما با این حال تأثیر شبکه‌های اجتماعی در آموزش دانشگاهی هنوز مشخص نشده است. فناوری‌های وب امکانات جدیدی را در اختیار مدرسان قرار داده است که از جمله آنها روش‌های جدید ارتباط با دانشجویان در آموزش، اشتراک دانش، گرفتن بازخورد و سایر قابلیت‌های بالقوه‌های که ابزارهای وب ارائه می‌دهند. از جمله راحتی استفاده، اشتراک اطلاعات و سهولت در مشارکت، شخصی سازی آموزش، یادگیری جمعی، یادگیری مبتنی بر حل مسئله، ایجاد مهارت‌های کار گروهی، مهارت‌های ارتباطی و مذاکره و همکاری آنلاین، انعطاف‌پذیری از لحاظ زمان و مکان، دسترسی سریع‌تر و آسانتر به اطلاعات در همه اوقات شبانه روز و از همه جا و تولید محتوای دیجیتالی است (Grosbeck et.al, 2011). از عوامل دیگری که استفاده از وب را در برنامه آموزشی دانشگاه‌ها الزامی می‌نماید، ظهور نسل جدید دانشجویان با سطح بالای مهارت‌های فناوری‌های اطلاعات است که به نسل شبکه یا نسل گوگل معروف‌اند (Witek & Grettano, 2011), (et.al, 2009 Hendrix) & Safarzadeh

(et.al, 2001). پژوهش‌های مختلف حاکی از مفید بودن این فناوری‌ها در عرصه‌های آموزشی و حرفه‌ای است. از آنجا که ادبیات موضوعی به ارتباط مابین نظام مدیریت یادگیری و ساختارهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی که در نهایت به عملکرد برتر منجر می‌گردد اشاره ننموده، لذا شناسایی اهم مؤلفه‌های سیستم مدیریت یادگیری در آموزش عالی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی و تبیین بسترهای ساختاری و محتوایی مورد نیاز به همراه شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و نقاط ضعف و قوت نظام آموزش عالی کشور در زمره مهمترین اهداف پیش‌روی این تحقیق به شمار می‌روند. در باب اهمیت و ضرورت این موضوع چند نکته وجود دارد. نخست اینکه در راستای تبیین ارتباطات مابین مولفه‌های دخیل در الگوی جامع سیستم مدیریت یادگیری، مدل تعاملی جامعی ترسیم خواهد شد که نحوه تعاملات را نیز به تفصیل نشان خواهد داد. در عین حال بررسی زمینه‌های اصلی اثرگذار بر این ارتباطات در سطوح مختلف نیز از زمره دیگر محورهایی به شمار می‌رود که در این تحقیق بدان اشاره می‌گردد.

روش تحقیق

طرح تحقیق. در این پژوهش از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. در واقع این پژوهش به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات کیفی به شمار می‌رود. این پژوهش مصاحبه (در تحلیل محتوای کیفی) و پرسشنامه (در تکنیک دلفی) را مبنای گردآوری داده‌های خود قرار می‌دهد. از آن جا که تحقیقات کیفی عمق و ابعاد متعدد یک پدیده را بهتر و شفاف‌تر به نمایش می‌گذارد، نخست با بهره‌گیری از مصاحبه با متخصصان و خبرگان دانشگاه پیام نور و نظام آموزش عالی کشور سعی می‌شود تا پرسش‌های مورد کاوش و چالش تا بن و بستر مطرح گردد و آنگاه برای اعتبارسنجی دستاوردهای آن نیز در قالب یک مدل مفهومی با ابعاد و مولفه‌ها و طراحی شاخص‌ها، پرسشنامه‌ای طراحی شده و در اختیار خبرگان قرار گرفته است. این پژوهش از نظر هدف، در زمره تحقیقات توسعه‌ای قرار دارد. مطالعه حاضر از آن نظر توسعه‌ای قلمداد می‌شود که بر اساس مدل‌های موجود در زمینه توسعه سیستم‌های مدیریت یادگیری، تلاش دارد مدلی جامع‌تر نسبت به مدل‌های پیشین را توسعه دهد.

در این تحقیق به منظور گردآوری داده‌ها ابزارهای متعددی مورد استفاده قرار گرفته است که اسناد و مدارک، گروه‌های کانونی و مصاحبه در زمره آنها به شمار می‌روند. به دلیل نوظهور بودن این مطالعات و به منظور تکمیل مبانی نظری، بخش گسترده‌ای از اطلاعات با استفاده از منابع اینترنتی شامل کتب، مقالات و مطالعات موردی به صورت فیش برداری،

جمع‌آوری گردیده است. از سوی دیگر در راستای گردآوری داده‌های کیفی مورد نیاز از مصاحبه با خبرگان استفاده شده است. در ادامه برای درک ذهنیت و مستندسازی تجربه‌های خبرگان و نخبگان و آزمودن مدل، از هر دو نوع مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و ساختاریافته استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری. ابتدا با توجه به شناخت حاصل شده، نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی بوده و سپس جهت تکمیل آن و در راستای دستیابی به اشباع نظری، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. در این راستا از روش نمونه‌گیری در دسترس بهره گرفته می‌شود. به علاوه در این شیوه پژوهش مصاحبه اول به دلیل آنکه می‌بایست با مطلع‌ترین فرد صورت گیرد، از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است. از این روی تلاش شد تا در نشست‌های اول، با افرادی که بیشترین سابقه و تخصص را داشتند، مصاحبه شود تا مدل تحقیق شکل مناسبی پیدا کند. لازم به ذکر است در انتخاب خبرگان و متخصصان مربوطه معیارهای متعددی مد نظر قرار گرفت که در زمره آنها می‌توان به حوزه‌های فعالیت، سابقه کاری و رتبه علمی اشاره نمود. از میان تعداد قابل توجه مدیران حائز شرایط، از میان آنها، افرادی که در چارک بالایی رده بندی مدیران بوده‌اند، انتخاب شده‌اند. داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه با خبرگان و مدیران گردآوری شده است. در این راستا، ابتدا مصاحبه‌هایی با مدیران و کارکنان صورت پذیرفت و سپس، به منظور بهینه‌سازی، با مدیران و خبرگان مصاحبه‌هایی صورت می‌گیرد. در انتها، به دلیل اهمیت نظرات دانشجویان، مصاحبه‌هایی نیز با آنها صورت گرفت.

روایی و پایایی ابزار. در این مطالعه، به منظور برآورد میزان روایی چک لیست مصاحبه از معیار اعتبارپذیری (واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش) با بکارگیری رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل برای ارزیابی روایی استفاده شده است. در این مطالعه، برای ارزیابی پایایی باتوجه به استفاده از نظرات خبرگان نیاز به پایایی لازم نبوده اما از راهکارهای زیر بهره گرفته شده است:

- هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها،
- ایجاد فرآیندهای ساختارمند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌های همگرا،
- وجود حداقل دو نفر برای انجام مصاحبه به صورت جداگانه
- استفاده از مصاحبه‌های بسیار ساختاریافته

سنجش کیفیت فرایند تحقیق. طراحی روش‌شناسی و طرح تحقیق این پژوهش به نحوی است که بتواند داده‌ها و تفسیرهایی مناسب را برای ارزیابی فرایند توسعه سیستم مدیریت یادگیری در نظام آموزش عالی کشور ارائه نماید. جدول زیر خلاصه‌ای از معیارهای سنجش کفایت فرایند تحقیق و کیفیت داده‌ها و تفسیرها را نشان می‌دهد. بر اساس مطالعات صورت گرفته از سوی استراوس و کوربین و پارکر و رافی معیارهای اعتمادپذیری، انتقال پذیری، اتکاپذیری، تصدیق پذیری و راستی و معیارهای نظریه برخاسته از داده‌ها شامل تطابق، فهم‌پذیری، عمومیت و کنترل پذیری انتخاب شده‌اند.

جدول (۱): معیارهای سنجش کفایت فرایند تحقیق

معیار	شرح	اقدامات صورت گرفته	نتایج
		۴ ماه هدایت مصاحبه‌ها	
اعتمادپذیری	میزانی که نشان می‌دهد نتایج حاصل از تحقیق تا چه حد نماینده داده‌های تحقیق است	نظارت اعضاء تیم تحقیق بر فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها مرور مصاحبه‌های کدگذاری شده و ارزیابی تفسیرهای صورت گرفته مصاحبه‌های مجدد با خبرگان و متخصصان	تفسیرهای افراد در قالب مصاحبه‌های صورت گرفته ارزیابی گردید.
انتقال پذیری	میزانی که قابلیت بکارگیری یافته‌های تحقیق را در موقعیت‌های مشابه نشان می‌دهد.	بررسی‌های صورت گرفته در بستر فرضیات تحقیق مطالعات نظری صورت گرفته بررسی ابعاد موضوعی تحقیق در حین انجام مصاحبه‌ها	مفاهیم نظری استخراج گردید.
اتکاپذیری	میزانی که منحصر بوده یافته‌ها به زمان و مکان را نشان می‌دهد.	بررسی تجربیات مدیران و خبرگان در قالب مصاحبه‌های صورت گرفته	ابعاد متعددی از رویداد مورد بررسی و ارزیابی واقع گردید.
عمومیت	میزانی که نشان می‌دهد یافته‌ها ابعاد مختلف پدیده مورد بررسی را در خود جای داده‌اند.	ارزیابی مقایسه‌ای متون مربوط به مصاحبه‌های صورت گرفته انجام ۱۲ مصاحبه در دو نشست تخصصی	ابعاد بسیاری شناسایی شده‌اند.

میزان که نشان می‌دهد تا چه حد تفسیرهای صورت گرفته، برآمده از مصاحبه شوندگان است و تحت تأثیر سوگیری محقق نبوده است.	بررسی مقایسه‌ای و تحلیلی مصاحبه‌های صورت گرفته	بسط و پالایش تفسیرها	تصدیق پذیری
میزان که نشان می‌دهد تفسیرها تحت تأثیر اطلاعات نادرست و یا طفره رفتن قرار نگرفته است.	مصاحبه‌ها به صورت بی نام و بدون استفاده از تدابیر زمانی و مکانی صورت گرفته‌اند.	شواهدی یافت نشد.	راستی
میزانی که نشان می‌دهد یافته‌ها با ساختار ذهنی افراد تطبیق دارند.	مقایسه تجربیات افراد و کدهای استخراج شده و بررسی سطح اعتمادپذیری و تصدیق‌پذیری	حداکثر تطابق با قالب ذهنی افراد کشف شد.	تطابق
میزانی که نشان می‌دهد نتایج حاصله تا چه اندازه نماینده‌ای از جهان واقعی است.	اطلاعات بدست آمده با مدارک و مستندات موجود مقایسه گردید.	حداکثر تطابق با قالب ذهنی افراد کشف شد.	فهم پذیری
میزانی که نشان می‌دهد تا چه حد بر ابعاد قابل کنترل هستند.	مقایسه نتایج حاصل از مطالعات مشابه با دستاوردهای نظری این تحقیق	شناسایی متغیرهای کنترل	کنترل پذیری

یافته‌ها

همزمان با طرح سؤالات پژوهشی (بر اساس طرح مسأله اصلی تحقیق)؛ مبنی بر تعیین ابعاد و مؤلفه‌های توسعه سیستم یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی در نظام آموزش عالی کشور، تلاش شد الگوی عملی و فراگرد واقعی در توسعه این سیستم بومی‌سازی گردد. به

نحوی که با در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت مدل‌های موجود در این رابطه، شاخص‌های کلیدی الگوی یاد شده در بستر نظام آموزشی دانشگاه پیام نور طراحی و تبیین می‌گردد. نخستین گام طرح سؤالات پژوهشی بر اساس طرح مسأله اصلی تحقیق است. بر این اساس سؤالات اصلی تحقیق قابل طرح هستند. بر این اساس تلاش شد الگوی عملی و فراگرد واقعی توسعه این سیستم با انجام مصاحبه‌های جداگانه‌ای با ۱۲ خبره و متخصص صورت گیرد. به منظور مصاحبه با مصاحبه شونده‌گان، سؤالات مصاحبه از قبل برای آنها ارسال شد و زمان‌های مصاحبه تعیین شدند. سؤالات کلی مصاحبه، به صورت سؤالات چهارگانه به شرح تنظیم شده‌اند:

۱. متغیرهای اثرگذار بر توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی کدامند؟ (Q₁)

۲. بسترهای یادگیری مورد نیاز برای توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی کدامند؟ (Q₂)

۳. متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی کدامند؟ (Q₃)

۴. فرایند استقرار سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی چگونه است؟ (Q₄)

۵. سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارد؟ (Q₅)

مراحل تحلیل داده‌ها

کدگذاری باز

پس از انجام مصاحبه‌ها، تمام مصاحبه‌ها به صورت الکترونیک پیاده شده و بر اساس مفاهیم مندرج در هر مصاحبه، کدگذاری باز صورت گرفت. بدین ترتیب به مصاحبه‌های مربوط به متخصصان و خبرگان یک کد و به هر مفهوم، یک شماره مستقل اختصاص داده شد. هر کد از یک گزاره منتخب از متن اصلی تشکیل شده است. کد مندرج گویای اندیکس کد، شماره سؤال و شماره فرد مصاحبه شونده بوده است. چند کد مشترک، یک مفهوم را تشکیل می‌دهد. در این تحقیق و در همین بخش، تعدادی از کدها در کنار هم تشکیل «مفهوم» را داده است. مفاهیم مشترک یک مقوله را تشکیل می‌دهند. مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر است و سطحی بالاتر را نشان می‌دهد. مقوله‌ها «شالوده» ساختن نظری است و ابزاری فراهم می‌کند که با آن نظریه می‌تواند یکپارچه شود. در این بخش مفاهیم متعددی پدیدار گردید و کدگذاری باز به پایان می‌رسد.

کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، یکی از مقوله‌های کدگذاری باز به عنوان مقوله یا پدیده اصلی (پدیده اصلی یا هسته، همان فرایند مورد مطالعه) انتخاب می‌شود و در مرکز فرایند مورد بررسی قرار می‌گیرد و سایر مقوله‌ها را به هم مرتبط می‌سازد. با ترتیبات یاد شده و در این تحقیق، ابعاد شش گانه الگوی پارادایمی تحقیق به شرح ذیل است:

الف - مقوله‌های علی

پنج مقوله بستر ارتباطی، بستر آموزشی، بستر تکنولوژیک و بستر کاربری در زمره مهمترین مقوله‌های علی این مدل انتخاب شدند.

ب- مقوله‌های محوری

سه مقوله توسعه نظام آموزش، پژوهش و کارآفرینی در زمره مهمترین مقوله‌های محوری این مدل انتخاب شدند.

ج- مقوله‌های راهبردی

توسعه سیستم مدیریت محتوا، شکل‌گیری ابزارهای ارتباطی و ارتقاء ابعاد ساختاری به عنوان مفاهیم راهبردی در مدل تحقیق در نظر گرفته می‌شوند.

د- مقوله‌های پیامدی

شناسایی و ارزیابی منابع، امکان‌سنجی سناریوهای پیشنهادی و استقرار سیستم مدیریت یادگیری به عنوان مقوله‌های پیامدی در مدل تحقیق شناخته شدند.

ه- مقوله‌های زمینه‌ای و محیطی

قوانین و مقررات، حوزه‌های زیرساختی و ویژگی‌های کاربران به عنوان مقوله‌های زمینه‌ای و محیطی در مدل تحقیق شناخته شدند.

کدگذاری انتخابی

در مرحله کدگذاری انتخابی با ایجاد ارتباط بین گروه‌ها، آن‌ها یکپارچه و چارچوب اولیه نظری تشکیل می‌شود. مهم‌ترین گام در مرحله کدگذاری انتخابی، ترسیم کدهای منتخب ناشی از مقولات علی، محوری، راهبردی، پیامدی و زمینه‌ای است. جدول (۲) الگوی کدگذاری انتخابی منتج از کدگذاری محوری مندرج در سطور بالا را عنوان می‌دارد.

جدول (۲): مقولات محوری و منتخب در مدل تحقیق

کدهای محوری (مقولات)	شناسه	مقوله‌های منتخب	شناسه

SE ₁	بستر شبکه‌های اجتماعی	K1CO1	بستر ارتباطی	مقوله‌های علی
		K1CO2	بستر آموزشی	
		K1CO3	بستر تکنولوژیک	
		K1CO4	بستر کاربری	
SE ₂	بسترهای یادگیری	K2CO1	توسعه نظام آموزش	مقوله‌های محوری
		K2CO2	توسعه نظام پژوهش	
		K2CO3	توسعه نظام کارآفرینی	
SE ₃	توسعه سیستم مدیریت یادگیری	K3CO1	توسعه سیستم مدیریت محتوا	مقوله‌های راهبردی
		K3CO2	ابزارهای شکل‌گیری ارتباطی	
		K3CO3	ارتقاء ابعاد ساختاری	
SE ₄	استقرار و پیاده‌سازی سیستم مدیریت یادگیری	K4CO1	شناسایی و ارزیابی منابع	مقوله‌های پیامدی
		K4CO2	امکان‌سنجی سناریوهای پیشنهادی	
		K4CO3	استقرار سیستم مدیریت یادگیری	
SE ₅	متغیرهای زمینهای	K5CO1	قوانین و مقررات	مقوله‌های محیطی و زمینهای
		K5CO2	حوزه‌های زیرساختی	
		K5CO3	ویژگی‌های کاربران	

تئوری‌سازی فرایند استخراج مدل مفهومی تحقیق

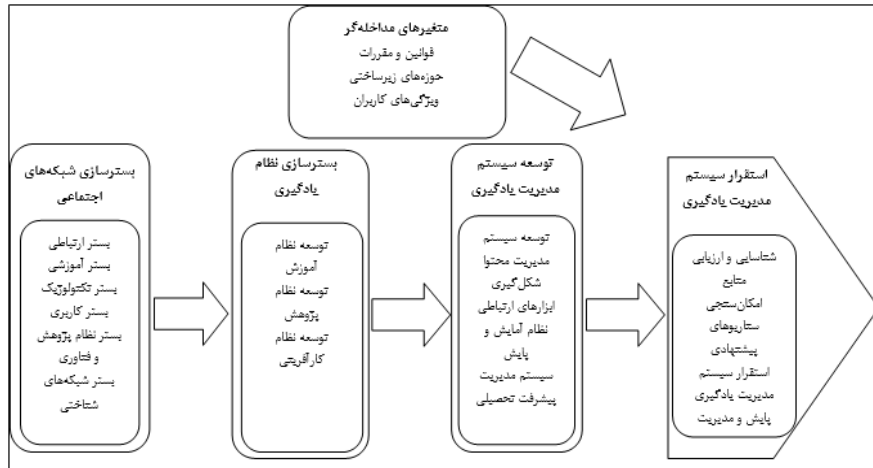
تجزیه و تحلیل کیفی برخلاف روش‌های کمی، همزمان با مرحله گردآوری داده و به طور توأم انجام می‌شود. در تحقیقات کیفی، مبنای تجزیه و تحلیل، عقل، منطق، تفکر و استدلال است و محقق به این ترتیب به کشف واقعیت دست می‌یابد. اصلاً تجزیه و تحلیل، ترکیب و تجرید و تعمیم، کار عقل است. در تحقیقات کیفی، محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و...، همه به کمک تفکر و تعقل و منطق انجام می‌شود، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و

تحلیل، و با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری کند. جدول شماره (۳) نحوه دستیابی به مقولات منتخب و در نهایت مدل نظری مستخرج شده از داده‌های مربوطه را نشان می‌دهد.

جدول ۳ - کدها، مفاهیم و مقوله‌های تحقیق

نوع مقوله	تعداد کد	تعداد مقوله
علی	۲۸	۴
محوری	۱۸	۳
راهبردی	۱۹	۳
پیامدی	۱۸	۳
محیطی و واسطه‌ای	۳۴	۳
جمع	۱۲۰	۱۶

از میان ۱۲۰ کد باز که محصل از داده‌های گردآوری شده بود، مجموعاً ۱۶ مقوله پدیدار گردید که الگوی نهایی بر آن اساس استخراج گردید. به منظور قابلیت نشان دادن مراحل مدل پیشنهادی این پژوهش و نیز مقایسه آن با سایر مدل‌های مشابه که مورد تحلیل قرار گرفت، گام‌های پیشنهاد شده برای نظام آموزش عالی کشور عنوان گردیده است. بستر شبکه‌های اجتماعی مشتمل بر چهار محور بستر ارتباطی، بستر آموزشی، بستر تکنولوژیک و بستر کاربری بوده که کمتر در مطالعات گذشته بدانها پرداخته شده است. به همین ترتیب بسترهای یادگیری به عنوان مقوله محوری در مدل پیشنهادی، توسعه نظام آموزش، توسعه نظام پژوهش و توسعه نظام کارآفرینی را در بر می‌گیرد. الگوی راهبردی در مدل مذکور نیز توسعه سیستم مدیریت یادگیری است که مشتمل بر توسعه سیستم مدیریت محتوا، شکل‌گیری ابزارهای ارتباطی و ارتقاء ابعاد ساختاری است. استقرار و پیاده‌سازی سیستم مدیریت یادگیری نیز به عنوان نتایج حاصل از مدل است که در برگرنده شناسایی و ارزیابی منابع، امکان‌سنجی سناریوهای پیشنهادی و استقرار سیستم مدیریت یادگیری است. قوانین و مقررات، حوزه‌های زیرساختی و ویژگی‌های کاربران در زمره متغیرهای زمینه‌ای به شمار می‌روند که در فرایند مذکور اثرگذار هستند.



نمودار (۱): الگوی پیشنهادی تحقیق

تست و ارزیابی مدل نهایی

اساس و پایه روش یا تکنیک دلفی بر این است که نظر متخصصان هر حوزه علمی در مورد پیش‌بینی آینده صائب‌ترین نظر است. بنابراین برخلاف روش‌های تحقیق پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به تعداد شرکت‌کنندگان در تحقیق، که به اعتبار علمی متخصصان شرکت‌کننده در پژوهش بستگی دارد. البته حداقل تعداد شرکت‌کنندگان بستگی به چگونگی طراحی روش تحقیق دارد. در این روش با استفاده از پرسشنامه که در اختیار افراد قرار داده می‌شود، از افراد سؤال می‌شود که از منظر آنها عوامل و ابعاد مؤثر در توسعه سیستم مدیریت یادگیری در نظام آموزش عالی کشور مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی کدامند و در بخش دوم نیز این سؤال مطرح می‌گردد که چه مؤلفه‌هایی را به عنوان یک محقق در این راستا برجسته می‌دانند.

الف - نتایج دور اول روش دلفی

نتایج دور اول روش دلفی در جدول (۴) نشان داده شده است.

بخش اول: رتبه بندی مؤلفه‌های استخراج شده از روش تحلیل محتوا

جدول (۴): یافته‌های آماری مربوط به معیارهای مورد مطالعه در روش دلفی (دور اول)

مؤلفه اصلی	زیر مولفه‌ها	میانگین	انحراف
بستر	بستر ارتباطی	۳/۶۷	۰/۷۱
شبکه‌های	بستر آموزشی	۳/۸۹	۰/۶۰
اجتماعی	بستر تکنولوژیک	۳/۸۹	۰/۹۳
	بستر کاربری	۳/۵۶	۰/۵۳
بسترهای	توسعه نظام آموزش	۳/۸۹	۰/۶۰
یادگیری	توسعه نظام پژوهش	۳/۶۷	۰/۷۱
	توسعه نظام کارآفرینی	۳/۷۹	۰/۶۷
توسعه سیستم	توسعه سیستم مدیریت	۳/۴۴	۰/۵۳
مدیریت یادگیری	محتوا		
	شکل‌گیری ابزارهای	۳/۸۹	۰/۷۸
	ارتباطی		
	ارتقاء ابعاد ساختاری	۲/۱۱	۰/۷۸
استقرار و	شناسایی و ارزیابی منابع	۳/۶۷	۰/۵۰
پایه‌سازی سیستم	امکان‌سنجی سناریوهای	۳/۷۸	۰/۶۷
مدیریت یادگیری	پیشنهادی		
	استقرار سیستم مدیریت	۳/۸۹	۱/۰۵
	یادگیری		
متغیرهای	قوانین و مقررات	۳/۷۸	۰/۹۷
زمینه‌ای	حوزه‌های زیرساختی	۳/۶۷	۰/۸۷
	ویژگی‌های کاربران	۳/۵۶	۰/۷۳

بخش دوم: شناسایی مولفه‌های جدید

بخش دوم پرسشنامه نیز به مولفه‌هایی اختصاص داشت که در ادبیات موضوعی مورد مطالعه کمتر بدان اشاره شده بود اما از منظر پاسخ‌دهندگان در شکل‌گیری الگوی توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی در نظام آموزش عالی کشور حائز

اهمیت بوده است. در مجموع ۱۹ مؤلفه شناسایی گردید که با ترکیب و تجميع آن‌ها نهایتاً ۵ مؤلفه تعیین شدند که در جدول زیر بدان‌ها اشاره شده است.

جدول (۵): یافته‌های آماری مربوط به معیارهای مورد مطالعه در روش دلفی (دور اول)

مؤلفه اصلی	زیر مؤلفه‌ها	تعداد تکرار
بستر شبکه‌های اجتماعی	بستر نظام پژوهش و فناوری	۱۴
	بستر شبکه‌های شناختی	۱۱
توسعه سیستم مدیریت یادگیری	نظام آمایش و پایش	۱۲
	سیستم مدیریت پیشرفت تحصیلی	۱۷
	مدیریت الگوی کاربری افراد	۱۵
استقرار و پیاده‌سازی سیستم مدیریت یادگیری	پایش و مدیریت عملکرد الگوی پیشنهادی	۱۵

در خصوص نحوه انتخاب متغیرهای تعیین شده در دور اول، معیار و روش استاندارد پیش‌بینی نشده است. لکن در بسیاری از تحقیقات علمی بر روشی که در ذیل بدان اشاره گردیده، تاکید شده است. این روش بر اساس میانگین نمرات بدست آمده از سوی کل متغیرها و مطابق با میانگین انحراف معیار محاسبه شده، حد پایین امتیاز متغیرهای منتخب در دور اول را نشان خواهد داد.

$$\begin{aligned}
 X^* &= \bar{X} - \delta \\
 \rightarrow X^* &= 3/63 - 0/73 \\
 \rightarrow X^* &= 2/91
 \end{aligned}$$

لذا رقم حداقلی برای پذیرش متغیرها در دور اول دلفی عدد ۲/۹۱ خواهد بود. بر این اساس هر یک از متغیرها که امتیازی پایین‌تر از آن کسب کرده باشند از فهرست متغیرهای مربوط به مدل پیشنهادی خارج خواهند شد که ارتقاء ابعاد ساختاری از مؤلفه اصلی توسعه سیستم مدیریت یادگیری در زمره آن به شمار می‌رود.

ب - نتایج دور دوم روش دلفی

در دور دوم پرسشنامه با در نظر گرفتن معیارهای مورد توجه در دور اول و با در نظر گرفتن نقطه نظرات اساتید و مدیران مربوطه از یک سو و با در نظر گرفتن پیگیری‌های صورت گرفته (که به صورت پست الکترونیک و یا تلفنی صورت پذیرفت) تقریباً تمامی افراد مرتبط که در دور اول مشارکت داشتند، در این دور نیز همکاری نمودند. جدول (۶) گویای میانگین و انحراف معیار مربوط به مولفه‌های تعیین شده در مرحله دوم است. نتایج دور دوم روش دلفی در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول (۶): یافته‌های آماری مربوط به معیارهای مورد مطالعه در روش دلفی (دور دوم)

مؤلفه اصلی	زیر مولفه‌ها	میانگین	انحراف
بستر شبکه‌های اجتماعی	بستر ارتباطی	۳/۸۹	۰/۶۰
	بستر آموزشی	۳/۵۶	۰/۵۳
بسترهای یادگیری	بستر تکنولوژیک	۳/۳۳	۰/۵۰
	بستر کاربری	۳/۴۴	۰/۵۳
	بستر نظام پژوهش و فناوری	۳/۷۸	۰/۶۷
	بستر شبکه‌های شناختی	۳/۷۸	۰/۶۷
	توسعه نظام آموزش	۳/۸۹	۰/۶۰
توسعه سیستم	توسعه نظام پژوهش	۳/۳۳	۰/۵۰
	توسعه نظام کارآفرینی	۳/۵۶	۰/۷۳
مدیریت یادگیری	توسعه سیستم مدیریت محتوا	۴/۵۶	۰/۸۸
	شکل‌گیری ابزارهای ارتباطی	۳/۶۷	۰/۵۰
استقرار و پیاده‌سازی سیستم مدیریت یادگیری	نظام آمایش و پایش	۳/۴۴	۰/۵۳
	سیستم مدیریت پیشرفت تحصیلی	۴/۲۲	۰/۸۳
	شناسایی و ارزیابی منابع	۳/۹۱	۰/۸۱
	امکان‌سنجی سناریوهای پیشنهادی	۳/۷۸	۰/۸۳
	استقرار سیستم مدیریت یادگیری	۳/۶۷	۰/۵۰
متغیرهای زمینه‌ای	پایش و مدیریت عملکرد الگوی پیشنهادی	۳/۶۷	۰/۷۱
	قوانین و مقررات	۳/۵۶	۰/۵۳
	حوزه‌های زیرساختی	۳/۶۷	۰/۸۷
	ویژگی‌های کاربران	۳/۴۴	۰/۵۳

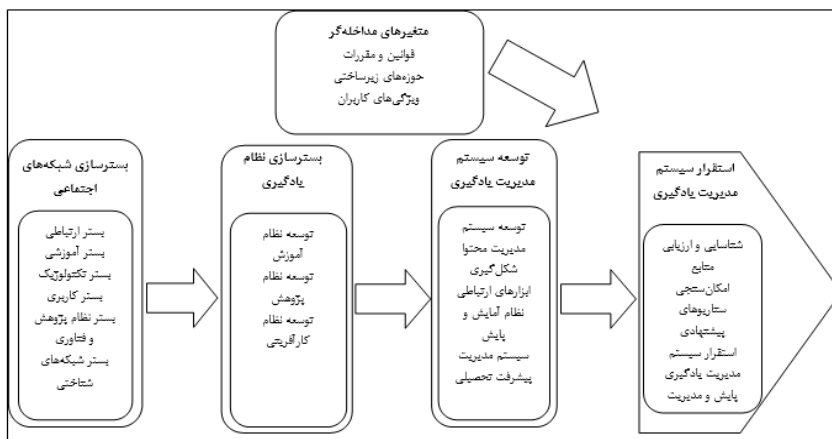
ج - مقایسه نتایج مربوط به مرحله اول و دوم روش دلفی

نتایج دور اول و دوم گویای تقارب میان میانگین‌های مولفه‌های حاصله می‌باشد. جدول (۷) خود گویای عدم وجود اختلاف معنی دار میان میانگین مربوط به نمرات متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد.

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون تی برای مقایسه میانگین‌های دو نمونه مستقل

فاصله اطمینان ۹۵٪		آماره‌های آزمون			
بالا	پایین	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی
۰/۱۱	-۰/۲۶	۰/۰۹	-۰/۰۷	۰/۴۱	۱۲۰
					آماره توزیع تی
					-۰/۸۱

بنابراین مؤلفه‌های مندرج در جدول آخر در روش دلفی به عنوان مؤلفه‌های برگزیده مدل انتخاب خواهند شد. بر این اساس نمودار زیر گویای الگوی نهایی پژوهش با در نظر گرفتن یافته‌های حاصل از آزمون و جلسات دلفی است.



نمودار (۲): الگوی نهایی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش نخست مبنی بر تبیین ویژگی‌های سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی چهار محور کلیدی استانداردسازی سیستم مدیریت یادگیری، بهینه‌سازی سیستم مدیریت یادگیری، مدیریت محتوی آموزشی و مدیریت تبادل اطلاعات در زمره مهمترین ویژگی‌های سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی شناسایی شدند. نتایج این تحقیقات با پژوهش (Aharony, 2009) مطابقت دارد. که بر آن اساس شبکه‌های اجتماعی یکی از عرصه‌های اینترنتی هستند که کاربران بی شمار آنها به صورت خودجوش اقدام به آموزش و انتقال دانسته‌های تخصصی و عمومی خویش به دیگران می‌کنند. همچنین (Click & Petit, 2011) بر این مدعی هستند که کارکردهای آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی و دانش‌افزایی مؤسسات آموزش عالی در کشور از چنان پتانسیل و ظرفیتی برخوردار هستند که زمینه بهره‌گیری از الگوهای نوین شبکه‌های اجتماعی در این بخش‌ها را به راحتی دارا بوده که این مهم بدون در نظر گرفتن توان انسانی در هدایت این امور محقق نمی‌گردد. در پاسخ به پرسش دوم مبنی بر شناسایی متغیرهای اثرگذار بر توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی، پنج متغیر کلیدی بستر شبکه‌های اجتماعی، بسترهای یادگیری، توسعه سیستم مدیریت یادگیری، استقرار و پیاده‌سازی سیستم مدیریت یادگیری و متغیرهای زمینه‌ای در زمره مهمترین عوامل اثرگذار بر سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی در نظام آموزش عالی کشور ارزیابی گردیدند. ابراهیم آبادی (2011) نیز بر این باور است که سیستم مدیریت آموزش الگویی است که فعالیت آموزش‌گیرنده را ثبت و پیگیری می‌کند. به عبارت دیگر، این سیستم، روند یادگیری و آموزش را به طور خودکار مدیریت می‌کند. همچنین (Alcock, 2009) بر این مدعی است که با فراگیر شدن آموزش‌های مجازی و از راه دور در دانشگاه‌ها نیاز به تعامل مجازی مؤسسات آموزش عالی با کاربران به شدت احساس می‌شود. این در حالی است که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند ارتباط مؤسسات آموزش عالی با دانشجویان و محققان را نزدیکتر نموده و در خدمات‌رسانی به آنها موفق‌تر عمل نمایند. اما با این حال تأثیر شبکه‌های اجتماعی در آموزش دانشگاهی هنوز مشخص نشده است. فناوری‌های وب امکانات جدیدی را در اختیار مدرسان قرار داده است که از جمله آنها روش‌های جدید ارتباط با دانشجویان در آموزش، اشتراک دانش، گرفتن بازخورد و سایر قابلیت‌های بالقوهای که ابزارهای وب ارائه می‌دهند (Phillips, 2011). (Grosbeck et.al, 2011) و (Witek & Grettano, 2011) نیز ظهور نسل جدید دانشجویان با سطح بالای مهارت‌های فناوری‌های اطلاعات که به نسل شبکه یا نسل

گوگل معروفاند، از دلایل دیگر برای گنجاندن وب دو در آموزش بر شمرده‌اند. در خصوص پرسش سوم پیرامون بسترهای یادگیری مورد نیاز برای توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی و در جستجوی اصول پیشنهادی در حوزه‌های مختلف یادگیری در نظام آموزش عالی کشور، سه مقوله توسعه نظام آموزش، پژوهش و کارآفرینی در زمره مهمترین مقوله‌های محوری این مدل انتخاب شدند. (Hendrix & et.al, 2009) و (Safarzadeh et.al, 2001) استفاده از شبکه‌های اجتماعی در محیط‌های آموزشی و پژوهشی برای تبادل نظر و اشتراک دانش و ارتباط مستمر و نزدیک میان دانشجویان و اساتید و نیز استفاده از آنها در مؤسسات آموزشی برای ارتباط نزدیک‌تر با کاربران به آنها را با اهمیت دانسته‌اند. در پاسخ به پرسش چهارم مبنی بر متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار بر توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی قوانین و مقررات، حوزه‌های زیرساختی و ویژگی‌های کاربران به عنوان مقوله‌های زمینه‌ای و محیطی در مدل تحقیق شناخته شدند. پرسش پنجم بر فرایند استقرار و پیاده‌سازی سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی تأکید داشت که شناسایی و ارزیابی منابع، امکان‌سنجی سناریوهای پیشنهادی، استقرار سیستم مدیریت یادگیری و پایش و مدیریت عملکرد به عنوان ابعاد کلیدی و مطرح در فرایند استقرار سیستم مدیریت یادگیری در نظام آموزش عالی کشور مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی شناسایی شدند. پژوهش حاضر به توسعه یک مدل جامع در توسعه سیستم مدیریت یادگیری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی در نظام آموزش عالی کشور پرداخته است. باید توجه داشت که در این زمینه، تاکنون در داخل کشور مطالعه‌ای صورت نپذیرفته است. گرچه مطالعات مشابهی در خصوص تعریف و تشریح مدل‌های مشابه صورت گرفته، اما موضوع مورد پژوهش یک موضوع زمینه محور بوده و بنا داشته تا یک مدل بومی و مختص شرایط اقتصادی و فرهنگی کشور ارائه دهد. به طور دقیق‌تر می‌توان نوآوری‌های پژوهش را به صورت زیر خلاصه نمود:

(۱) بخش عمده‌ای از مطالعات صورت گرفته در این زمینه در سطوح پایین آموزشی و به صورت محدود صورت گرفته‌اند.

(۲) در مطالعاتی که در این حوزه صورت گرفته است، عمدتاً فرآیند شکل‌گیری این سیستم با محوریت مدیریت هزینه، یادگیری در فرآیند توسعه، و عوامل کلیدی موفقیت مورد بررسی قرار داده‌اند و اصولاً بر ایده‌پردازی از جنبه‌های مختلف و غربالگری آنها به عنوان یکی از مهمترین الزامات نپرداخته‌اند. در حالیکه در این مطالعه، به تمامی عناصر فرایندی و ساختاری سیستم مدیریت یادگیری توجه شده است.

در همین راستا پیشنهاد می‌شود تا طبقه‌بندی راهکارهای توسعه سیستم‌های یادگیری بر حسب سطوح و ابعاد صورت پذیرفته و تحلیل و ارزیابی کارایی مدل پیشنهادی پژوهش نیز انجام گیرد.

References

- Aharony, N. (2009). The influence of LIS students' personality characteristics on their perceptions towards web 2.0 use. *Journal of Librarianship and Information Science*, 41(4), 227-242.
- Alcock, J. (2009). Using Facebook pages to reach users: The Experiences of Wolverhampton. *ALISS Quarterly*, 4(2), 2-6.
- Click, A. & Petit, J. (2010). Social networking and Web 2.0 in information literacy. *The International Information & Library Review*, 42, 137-142.
- Ebrahim abade, H. (2011). Internet usage pattern: learning environment and cultural and social context; *Quarterly research*.
- Grosseck, G. Bran, R. & Tiru, L. (2011). Dear teacher, what should I write on my wall? A case study on academic uses of Facebook; *Procedia Social and Behavioral Sciences* 15; 1425-1430.
- Hendrix, D. Chiarella, D. Hasman, L. Murphy, Sh. & Zafron, M. L. (2009). Use of Facebook in Academic Health Sciences Libraries. *Journal of the Medical Library Association* 97(1), 44-47.
- Phillips, N. K. (2011). Academic Library Use of Facebook: Building Relationships with Students. *The Journal of Academic Librarianship* 37(6), 512-522.
- Sarrafzadeh, M., Hazeri, A., & Alavi, S. (2011). The status of Web 2.0 in Iran's LIS education. *Education for Information*, 28(2-4), 233-245.
- Witek, D. & Grettano, T. (2012). Information literacy on Facebook: an analysis. *Reference Services Review*, 40(2), 242-257.

